

## چه خوبه محبت

گروه سنی: الف و ب

نویسنده: لیلا شاعری (شکوفه‌ها)

فضای دکور: (جنگلی سرسبز با درختان انبوه).

بازیگر اول وارد صحنه می‌شود:

(رو به تماشاچی) به نام خدا

**بازیگر دوم: سلام**

**بازیگر سوم: سلام به شما کوچیکترا و بزرگترا.**

**هر سه با هم: سلام سلام سلام.**

شعر دسته جمعی می‌خوانند:

سلام سلام به مهمونای عزیز

سلام به بچه‌های خوب و تمیز

سبدسبد سلام داریم براتون

سلام و صد سلام به روی ماتون

سلام سلام

سلام سلام.

(سه بازیگر با شادی دست یکدیگر را می‌گیرند که

در این هنگام صدای نعره‌ای شنیده می‌شود.)

**اولی: این دیگه صدای کی بود؟ دومی: هیچی بابا**

صدای باد بود.

سومی: نه بابا صدای شیر بود.

(صدای کمک کمک خرگوش بگوش می رسد.)

اولی: این صدای خرگوشکه.

دومی: خب یکی بره کمکش کنه دیگه.

سومی: کی بره؟ من که می ترسم.

اولی: از چی؟ از کی؟

سومی: از صدا.

اولی: آه واقعاً که... ترسوها (از صحنه خارج

می شود.)

دومی: نکنه صدای دیو بدی باشه و اونا رو بخوره.

سومی: من می ترسم.

دومی: ای بابا چقد ترسویی مثل من شجاع باش.

(خرگوش و بازیگر اول وارد صحنه می شوند)

اولی ما اومدیم.

خرگوش (در حال گریه کردن)

دومی: اخی چرا گریه می کنی؟

سومی: دیو بدی اذیت کرده؟

خرگوش: اره اون منو ترسونده (با گریه) من مامانمو

می خوام.

**دومی:** یکی یه کاری بکنه.

**اولی:** عزیزم گریه نکن، به زودی مامانتو می بینی.

**دومی:** خرگوشک تو دیو بدی رو دیدی؟

**خرگوشک:** نه، من داشتم هویج می خوردم و بازی

می کردم که یهو صداشو شنیدم خیلی ترسیدم.

**سومی:** نترس عزیزم ما تنهات نمی ذاریم.

**دومی:** من می تونم برم مامان خرگوش رو بیارم

**سومی:** چه جوری؟

**دومی:** من یه راهی بلدم که منو به خونه مامان

خرگوش می رسونه.

**سومی:** پس بیا با هم بریم.

**دومی:** نه بهتره شما بمونین، چون ممکنه دیو بدی

از راه برسه و جون همه مون به خطر بیفته.

**سومی:** باشه پس مراقب باش.

**سومی:** باشه حتماً (در حال خارج شدن از صحنه

است.)

**خرگوش:** مامان موزود بیار بگو دلم واسش خیلی

تنگ شده.

**اولی:** حواستو جمع کن. خیلی مراقب باش.

**دومی:** باشه من رفتم. (خارج می شود.)

(هوا کم کم رو به تاریکی می رود.)

**دومی:** (خمیازه می کشد) وای چقدر خوابم می آید.

به قول خرگوشی لالا دارم.

**اولی:** خرگوشی تو هم بیا کنار من و استراحت کن.

**خرگوشک:** باشه.

(هر سه در گوشه‌ای در حال استراحت کردن

هستند.)

**خرگوشک:** (با نگاه به اطراف آهی می کشد) هی

مامان جونم، مامان جونم کجایی، دلم واست تنگ

شده کاش پیش من بودی.

(چشمانش را می بندد.)

(صدای شب و جیرجیرک‌ها به گوش می رسد، در

این هنگام صدای نعره‌ای شنیده شد.)

خرگوشک (چشمانش را باز می کند.) این دیگر چه

صداییه؟ حتماً داشتم خواب می دیدم؟ (چشمانش

را می بندد.)

(در تاریکی شب یک موجود عجیب و غریبی وارد



صحنه می شود.)

**دیو بدی:** هان!! اینجا چه خبره؟ بذار برم نزدیک تر.  
هان؟؟

با صدای بلند نعره می کشه. ای خرگوش بدجنس  
پس تو اینجا بودی آهان؟ هیس هیس نباید صدامو  
بشنون (به طرف آن دو می رود.)

(با خنده) قیافه را ببین چه خنده داره. خخخ  
می گم بهتره خرگوشکو بیدارش کنم حتماً منو ببینه  
خوشحال می شه. (به سمت خرگوش می رود.)  
آهای آهای با توام (صدای قوقولی قوقو خروس به  
گوش می رسد.)

(دیو بدی با ترس) وای وای این چی بود؟ ای  
خروس بد ترسیدم.

وای قلبم وای قلبم (در این هنگام خرگوش  
چشمانش را باز می کند و با دیدن دیو جیغ می زند.)

**نفر اول:** چیه؟ چی شده خرگوشی خواب دیدی؟

**خرگوش:** (با ترس) نه نه نه دی دی دی

**نفر دوم:** (بر می خیزد) اینجا چه خبره؟ چه اتفاقی

افتاده؟

**خرگوش:** (با ترس انگشتش را به سوی دیو می گیرد.)

دی دی دی دیو.

(هر دو هم زمان سمت دیو برمی گردند.) دیووووو  
(با جیغ و فریاد به این طرف و آن طرف می روند و صدای موسیقی تند آنان را همراهی می کند دیو نیز با آنان به شکل خنده داری به این سو و آن سو می رود. پس از لحظاتی دیو فریاد می زند.)  
**دیو:** وایسین ببینم.

**دومی:** (با ترس) دیو، دیو، دیو، (از هوش می رود.)

**اولی:** وای چی شد؟ پاشو، چشاتو باز کن.

**خرگوشک:** اون مرده؟؟

**اولی:** خدا نکنه.

**دیو بدی:** ولش کنین بابا، بذارین بمیره.

**اولی:** نخیر من نمی ذارم اتفاقی واسش بیفته اون

دوست منه.

**دیو:** (با فریاد) اااا چی گفتی؟ تو چقدر مهربونی زود

باشین از همدیگه جدا شین.

**خرگوشک:** نخیرم، می زنمت، برو از این جا.

**دیو:** (با خنده) تووووو.

**خرگوشک:** آره برو از این جا. برو پیش مامانت.

**دیو:** (با بغض و گریه) مامانم مامانم؟

**خرگوشک:** آره برو برو.

**دیو:** من که مامان ندارم. مامانم منو از خونه

انداخته بیرون؛ گفت تو بی ادبی (عربده می زند و

گریه می کند.)

یکی بهش دستمال کاغذی بده دماغشو فین کنه.

**اولی:** عزیزم تو خیلی مهربونی (دستمال را به دیو

می دهد.) بفرما اینم دستمال.

**دیو:** (با صدای گوش خراشی بینی اش را تمیز

می کند.)

چرا؟ چرا؟ چرا کسی منو دوس نداره.

(دومی بلند می شود و به اطراف نگاه می کند.)

**دومی:** دیو رفت؟

**خرگوش:** نه اونجاست.

**دومی:** بی هوش می شود.)

**اولی:** وای تو که همش همش غش می کنی؟

**دیو:** (با گریه) هیچ کس منو دوس نداره.

**اولی:** عزیزم تو اشتباه می کنی ما خیلی دوست داریم.

**دیو:** (با شادی) واقعاً.

**خرگوشک:** آره تو نباید حرف بد بزنی؟ نباید بی ادب باشی؟

**دیو:** (با غصه) آخه چه جوری؟

**اولی:** اول باید تمیز و مرتب باشی (رو به تماشاچی) مثل این گلا که همشون تمیز و مرتب هستن.

**خرگوشی:** بعدشم برو حموم. لباسات بو می ده.

**دیو:** (با ناراحتی) نه نه نه شامپو چشامو می سوزونه دوس ندارم برم حموم.

**خرگوشک:** اگه چشاتو ببندی چشاتو نمی سوزونه.

**اولی:** بعدش باید مسواک بزنی تا بوی بد دهنت همه رو ناراحت نکنه.

**دیو:** خب!!

**خرگوشک:** حرف بد نزن.

**دیو:** خب

**اولی:** یه جامی ری سلام کنی.

**دیو:** این جوری همه منو دوس دارن؟؟؟



**خرگوشک:** خب معلومه.

**دیو:** (با شادی) آخ جون. (شروع به رقصیدن و پایکوبی می کند.)

**اولی:** باید قول بدی با دوستات مهربون باشی. کسی رو اذیت نکنی.

**دیو:** باشه. دیگر چیکار کنم همه منو دوست داشته باشند؟

**خرگوشی:** کسی رو نترسونی. با همه مهربون باشی.  
**دیو:** اگه این کار رو انجام بدم می تونم دوستای خوب داشته باشم؟

**اولی:** بله: (رو به بچه های تماشاچی) مگه نه بچه ها؟؟؟

بچه ها با هم: بله.

**دیو:** (با شادی و خوش حالی) آخ جون، آخ جون، من قول می دم که خوب باشم.؟؟؟  
(خرگوشی و اولی می خندند.)

(دومی بلند می شود) دیو دیو رفت؟

**خرگوشی:** نه هنوز اونجاست ببین.

**دیو:** دالی، سلام!!

**دومی:** (بی هوش می شود.)

**اولی:** ای بابا بهتره شما بری حال دوستمون خوب نیست.

**دیو:** باشه می رم. از شمام ممنونم. من می رم که خوب باشم. (می خندد و رو به تماشاچی) من اصلاح شدم خ خ خ سی - یو- تو مارو (از صحنه خارج می شود.)

(دومی به آرومی بلند می شود.) وای سرم چقدر درد می کنه.

(بانگرانی و ترس) دیو دیو دیو کو؟؟ این جا دیوی وجود نداره. همه خوبن.

**دومی:** اما من دیدمش دیو بدی این جا بود.

**اولی:**؟؟ دیو بدی کجا بود؟ (رو به بچه ها) بچه ها دیو بدی این جا بود؟

**بچه ها:** نخیر

**اولی:** دیو بدی اصلاً وجود نداره عزیزم، همه ی ماها باید بدی رو از خودمون دور کنیم و خوب بودن رو از هم یاد بگیریم.

**اولی:** آخیش خیالم راحت شد.

(صدای مادر خرگوش به گوش می‌رسد.)  
مادر خرگوش با شادی: آهای دخترم کجایی؟  
خرگوشی؟؟  
**خرگوشک:** (با شادی) آخ جون این صدای مامان  
جون خودمه.

**اولی:** خب خدا رو شکر مامانتم پیداش شد.  
(صدا) خرگوشی کجایی؟؟ منم مامانی؟؟  
**خرگوشک:** مامان جون دارم میام. آخ جون.  
**اولی:** بریم بریم حتماً مامانت با دیدنت خیلی  
خوشحال می‌شه.

**دومی:** بیا بریم خرگوش جونم.  
(در حال خارج شدن از صحنه با شعر)

آهای آهای خبردار  
کی خوابه و کی بیدار  
مردم کوچه بازار  
خبر خبر خبردار  
بیاین با هم بگردیم  
راه غمو ببندیم  
ترس و کنار بذاریم

سه نمایش نامه برای کودکان | چه خوبه محبت

از هیچی هم نترسیم

**پایان**